

تمایزها و تفاوت‌های پاپ آرژانتینی با اسلاف اروپایی

مهرداد خدیر
معاون سردبیر

خورخه ماریو برگولیو؛ این نام بیشتر یادآور یک بازیکن فوتبال یا یک نویسنده آمریکای لاتین است تا رهبر واتیکان چون مطابق عادت مألوف پاپ‌ها اروپایی‌اند و همین که پاپ فقید آرژانتینی بود خرق عادت کلیسای کاتولیک به حساب می‌آمد.

هنوز هم تا کلمه «پاپ» را می‌شنویم بیشتر به یاد پاپ ژان پل دوم لهستانی می‌افتیم که ۲۰ سال قبل درگذشت و جای خود را به مرد آلمانی داد که لقب «بندیکت شانزدهم» را برای خود برگزید.

هر اسقف یا کاردینالی که به رهبری واتیکان انتخاب می‌شود بر اساس الگویی که در تاریخ واتیکان در نظر دارد عنوانی برای خود برمی‌گزیند و این گونه است که بعد از پاپ ژان پل دوم شاهد پاپ بندیکت شانزدهم هستیم به پاپ ژان پل سوم! و بعد از پاپ بندیکت شانزدهم با پاپ فرانسیس روبه‌رو می‌شویم به پاپ بندیکت هفدهم! پاپ فقید که صبح دوشنبه اول اردیبهشت و در پی یک دوره بیماری درگذشت آرژانتینی بود و برای خود عنوان «پاپ فرانسیس» را برگزیده بود و ۱۰ تفاوت یا تمایز با اسلاف خود داشت:

۱- مهمترین وجه تفاوت اینکه در حیات یک پاپ و در پی استعفای او از این جایگاه برگزیده‌شد در حالی که عالی‌ترین مقامات ادیان که به عنوان نمایندگان خداوند معرفی می‌شوند معمولاً کناره نمی‌گیرند. انتخاب در حیات یک پاپ و نه در ممات او از همان ابتدا سیمای یک رهبر متفاوت را در واتیکان ترسیم کرد.

۲- از ضرب‌المثل‌های ماست که دو درویش در یک گلیم می‌گنجند و دو پادشاه در یک اقلیم نه اما پاپ آلمانی قبلی به کشور خود بازگشت و با همان جامه مخصوص سپیدرنگ پاپ در واتیکان به زندگی خود ادامه داد تا بدانیم دو پادشاه گاه در یک اقلیم می‌گنجند کما اینکه مرد آلمانی (کاردینال جوزف آلوئیسیو راتینگر) و مرد آرژانتینی (خورخه ماریو برگولیو) گنجیدند و البته دست یکی از قدرت و ثروت کوتاه بود.

۳- پاپ فرانسیس آرژانتینی بود در حالی که اسلاف او اروپایی بودند. کلیسای کاتولیک اتفاقاً در آمریکای لاتین بیشتر نفوذ دارد تا اروپا که از مسیحیت کاتولیک دور شده و بیشتر مسیحی پروتستان هستند. انتخاب یک غیراروپایی برای حاکمیت بر واتیکان یادآور دوران قبل از رنسانس است که رابطه دولت-ملت به بر اساس مرزهای جغرافیایی که بر پایه ادیان و مذاهب شکل گرفته بود و البته حالا بیشتر جنبه نمادین دارد و زور پاپ به حکومت ایتالیا هم نمی‌رسد چه رسد به دیگر نقاط جهان.

۴- مسیحیت موجود را می‌توان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرد. مسیحیت شرقی با کلیسای ارتدوکس شناخته می‌شود و روسیه مدعی آن است و مسیحیت غربی با کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها. با این نگاه دیدار رهبر کلیسای کاتولیک با رهبر مسیحیان پروتستان که سلسله‌مراتب کلیسای کاتولیک را قبول ندارند از اتفاقات مهم دوران رهبری پاپ فرانسیس فقید بود.

۵- یکی از دلایل اشتهار پاپ فرانسیس بی‌تردید فیلم دیدنی «دو پاپ» بود. فیلمی ساخته «فرناندو میرلس» کارگردان برزیلی و محصول ۲۰۱۹ که ما را به درون واتیکان می‌برد اگرچه نقدی بر آن وارد نمی‌کند. نقش پاپ قبلی را انتونی هاپکینز بازی می‌کرد نقش مقابل یا همین پاپ آرژانتینی را هم جاناتان پرایس، شاهکار فیلم صحنه‌ای است که اسقف اعظم آرژانتین به رم می‌رود تا در واتیکان اعلام بازنشستگی کند اما آن که بازنشسته می‌شود پاپ بندیکت است که زمینه‌جانشینی منتقد خود را فراهم می‌سازد و راز استعفای خود را برای اسقف اعظم آرژانتین فاش می‌کند: صدای خدا را دیگر نمی‌شنوم.

۶- از بندیکت شانزدهم جملاتی در نقد اسلام شنیده شد که خاطر مسلمانان را آزرده کرد اگرچه بعدتر درصدد جبران

برآمد اما از پاپ فرانسیس چنین سخنانی نشنیدیم که طبعاً به خاطر تفاوت در خاستگاه و زادگاه و جغرافیای پرورش بود.

۷- برخی از باورهای پاپ فرانسیس برای چهره‌های سنتی کلیسا غیرقابل قبول بود؛ از جمله جمله‌ای که «اوجینو اسکالفاری» صاحب روزنامه «لارپوبلیکا»ی ایتالیا درباره گفت‌وگوی خود با پاپ فرانسیس درباره جهنم به او نسبت داد و جنجال بزرگی به پا کرد. این روزنامه‌نگار که خود خدا‌ناباور است در مقاله‌ای مدعی شد پاپ فرانسیس به جهنم باور ندارد بلکه معتقد است «ارواحی که توبه نکنند از سوی خداوند بخشیده می‌شوند و ارواحی که توبه نکنند ناپدید خواهند شد و جهنمی برای مجازات ارواح بد در کار نیست». واتیکان البته به این مقاله واکنش نشان داد و در بیانیه‌ای تأکید کرد: برداشت نویسنده است نه گفته پاپ و عین کلمات بر زبان آمده پدر مقدس نیست.

۸- با این که پاپ فرانسیس فقید به نسبت سلف خود اسلام‌ستیز نبود و مردمی‌تر به نظر می‌رسید اما در قبال کشتار مسلمانان در غزه نقش مورد انتظار را ایفا نکرد و به دعا برای ختم کشتار بسنده کرد. انتقادهای بیشتر به خاطر آن بود که جو بایدن رئیس جمهوری سابق آمریکا کاتولیک بود و از پاپ فرانسیس انتظار می‌رفت از این منظر یا او وارد گفت‌وگو شود.

۹- از رفتارهای متفاوت پاپ فرانسیس فقید می‌توان به سفر بی‌سابقه او به نجف در ۴ اسفند ۱۳۹۹ به قصد دیدار با مرجع عالی شیعیان اشاره کرد. رهبر واتیکان پای پیاده، خیابان ضلع جنوبی حرم امام علی علیه‌السلام را طی کرد تا به خانه‌آیت‌الله سیدعلی سیستانی برود و شرط مرجع عالی برای حاضر نبودن هیچ‌یک از مقامات ارشد عراقی هم برآورده شد و قریب یک ساعت با هم گفت‌وگو کردند. این دو بر سر موارد اختلافی مانند توحید یا تثلیث، مصلوب شدن یا نشدن عیسی مسیح، تحریف شدن یا نشدن انجیل و موارد متعدد دیگر بحث نکردند بلکه قرارت آقای سیستانی از اسلام را با اندیشه صلح سازگار دانست و بر تبلیغات داعش محور مهر بطلان زد. خاطره این دیدار بر آیت‌الله هم شیرین نشست چندان که دیروز دفتر آیت‌الله سیستانی در نجف اشرف در بیانیه‌ای درگذشت پاپ فرانسیس را تسلیت گفت و «پاپ فرانسیس» را رهبری توصیف کرد که «از جایگاه معنوی والایی در میان مردم بر خوردار بود و احترام گسترده‌ای در میان جهانیان داشت» و اهمیت دیدار پیش گفته را در این امر دانست که طریقی بر «نقش بنیادی ایمان در زندگی بشر» تأکید ورزیده بودند. یادمان باشد هر چند در روزگار ما مسلمانان با یهودیان بیشتر مشکل دارند تا با مسیحیان ولی الهیات یهود به اسلام نزدیک‌تر است تا الهیات مسیحیت چندان که الهیات اسلام و مسیحیت بر سر عیسی فرزند خدا، به صلیب کشیده شدن او، تقدیس شراب و مهم‌تر از همه سه‌گانه «پدر و پسر و روح القدس» اختلاف دارند در حالی که روح اسلام نفی هر «اله» و معبود دیگر و تأکید بر «الله» است و از عیسی مسیح هم به عنوان «روح‌الله» یاد می‌شود و با معبود دیگری نسبت برقرار نمی‌کند چندان که ابراهیم خلیل‌الله است و موسی کلیم‌الله در سوره مریم در حالی که از «رب» گفته می‌شود و مریم خداوند را با عنوان «الرحمن» خطاب می‌کند از عیسی به‌عنوان فرستاده‌الله یاد می‌شود و طبعاً هیچ‌یک از این موارد در باورهای مسیحیان نیست اما هم پاپ فرانسیس و هم آقای سیستانی به جای تأکید بر این اختلافات به نقش بنیادین ایمان در زندگی انسان پرداختند.

۱۰- دهم و سرانجام این که جایگاه جهانی و سیاسی واتیکان در دوران پاپ فرانسیس به رغم محبوبیت او در آمریکای لاتین تنزل یافته بود و از این رو انتظار می‌رود پاپ جدید برای ارتقای آن بکوشد. ژان پل دوم لهستانی بود و آمریکا و اروپای پروتستان در مقابل اتحاد شوروی یا او متحد شدند. مرد آلمانی جانشین او در فضایی دیگر سیر می‌کرد و پاپ آرژانتینی هم مایل نبود تقابل با شوروی لامذهب را در قالب مقابله با روسیه مدعی تبعیت از مسیحیت ارتدوکس بازتولید کند. باید دید پاپ بعدی کدام راه را ادامه می‌دهد.



عکس: president.ir

مسعود پزشکیان در نشست سراسری استانداران:

با حفظ منافع ملی آماده توافق هستیم

حوزه مدیریت شهری می‌شود. این پنج حوزه، حوزه‌های کلان هستند، البته بخش‌های دیگری مانند مرزها و اتباع نیز وجود دارد. در گذشته، بیشتر به بخش‌های امنیتی و انتظامی توجه می‌شد که امری طبیعی است، زیرا امنیت و آرامش بستر هر کاری است. با توجه به عقب‌ماندگی‌هایی که در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی داشتیم، اولویت منابع را بیشتر به این حوزه‌ها اختصاص دادیم. البته موضوع امنیتی، انتظامی و سیاسی نیز سر جای خود قرار دارد. وزیر کشور تأکید کرد: «در حوزه سیاسی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه تشکل‌ها و احزاب جهت افزایش مشارکت مردم و انتخاب بهترین گزینه از میان دیدگاه‌های مختلف، مدنظر است. در حوزه امنیتی و انتظامی، اولویت اصلی ما جلوگیری از امنیتی شدن پدیده‌های اجتماعی است، یعنی پدیده‌های اجتماعی با سازوکار خودشان حل و فصل می‌شوند، به جای امنیتی کردن سریع آن‌ها. اما در حوزه اجتماعی، به اعتقاد من، جای کار زیادی وجود دارد.» او با بیان این مطلب که کارهای بسیار خوبی انجام شده است، اما عقب‌ماندگی‌های زیادی نیز داریم، تأکید کرد: «شاید حوزه اجتماعی بیشتر آسیب‌ها را نشان می‌دهد. آسیب درست است که به مرحله‌ای رسیده که حتماً باید درمان شود، اما اگر به حوزه‌های اجتماعی توجه نکنیم و فعالیت‌های اجتماعی، نشاط اجتماعی و سبک زندگی را ارتقا ندهیم، محصول آن آسیب خواهد بود. برنامه‌ها باید بر اولویت‌دهی به حوزه‌های اجتماعی، سبک زندگی و اقدامات پیشگیرانه اختصاص داده شود تا ما در حوزه آسیب‌ها، معلول کمتری داشته باشیم، یعنی هم به خود آسیب که یک بیماری است پرداخته شود و هم تمرکز بیشتر بر اقدامات پیشگیرانه، فرهنگ‌سازی و اصلاح سبک زندگی صورت گیرد.» مومنی در ادامه با اشاره به حوزه اقتصادی، تأکید کرد: «اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام با اولویت‌بندی، راه‌اندازی مجدد واحدهای تولیدی که راکت شده‌اند یا بخشی از ظرفیت‌های خود را از دست داده‌اند و سوم، جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید، یعنی فراهم کردن بسترها، تسهیلات و رفع موانع سرمایه‌گذاری می‌تواند

وزیر دفاع آمریکا با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شد

سیگنال گیت؛ پرده دوم

به دنبال این تحقیقات، دان کالدول مشاور ارشد هگست، دارین سلنیک معاون رئیس کارکنان پنتاگون، و کالین کارول رئیس دفتر یکی از معاونان وزارت دفاع از کار برکنار شدند. پولیتیکو نوشت که کالدول و سلنیک توسط افسران امنیتی پنتاگون از ساختمان وزارت دفاع خارج شدند و دسترسی آنان به ساختمان نیز قطع شده است. در چنین شرایطی، نیویورک تایمز گزارش دیگری منتشر کرد که به نقل از منابعی ناشناس، مدعی بود پرونده رسوایی سیگنال گیت که در ماه مارس باز شد، ابعاد دیگری نیز داشته و هگست اطلاعات را در یک گروه خصوصی به اشتراک گذاشته است.

حمله به یمن در گروه خانوادگی

نیویورک تایمز روز یکشنبه گزارش داد که وزیر دفاع آمریکا در ۱۵ مارس گذشته و هم‌زمان با نشست اطلاعات مربوط به عملیات در یمن که به سیگنال گیت معروف شد، اطلاعات مربوط به برنامه پرواز جنگنده‌های اف-۱۸ هورنت علیه مواضع انصارالله یمن را در گروه چت خصوصی سیگنال به اشتراک گذاشته است. گروهی که توسط او ایجاد شده و شامل همسر، برادر و وکیل او به همراه چند نفر دیگر است. روزنامه گاردین انگلیس نیز به صورت مستقل، وجود این گروه چت خصوصی متعلق به هگست را تأیید کرد.

گزارش تایمز همچنین مدعی است که دو مشاور ارشد هگست یعنی دان کالدول و سلنیک نیز در این گروه حضور داشتند که هفته گذشته با اتهام نشت غیرمجاز اطلاعات اخراج شدند. این اتهام در حالی به هگست وارد شد که حدود یک ماه قبل پرونده سیگنال گیت با اضافه شدن اتفاقی جفری گلدبرگ سردبیر آنلانتیک به گروه سیگنال مقامات ارشد کاخ سفید، باز شد. آن گروه که متعلق به مایک والتز مشاور امنیت ملی ترامپ است، محل تبادل نظر و اطلاعات درباره حمله‌های هوایی آمریکا به یمن بود. آن زمان مشخص شد که جی‌دی ونس معاون ترامپ، هگست، والتز و تعداد دیگری از مقامات ارشد دولت آمریکا در این گروه به اشتراک اطلاعات و نظرات درباره مسائل بحرمانه می‌پردازند. اپلیکیشن سیگنال در آمریکا



گروه خبر: وزیر دفاع آمریکا بار دیگر به اخبار بازگشت اما این بازگشت ارتباطی به مسائل نظامی ندارد، بلکه مربوط به هرچ و مرج در پنتاگون به خاطر اخراج‌های سه ماه اخیر، نشت اطلاعات مجرمانه از سوی مقامات ارشد وزارت دفاع و احتمالاً افشا شدن بخش دیگری از پرونده سیگنال گیت است. در حالی که هنوز زمان زیادی از رسوایی انتشار اطلاعات مجرمانه ارتش آمریکا در یک گروه مجازی در پیام‌رسان سیگنال نمی‌گذرد، این بار هگست متهم شد که اطلاعات مربوط به عملیات در یمن را همان زمان در یک گروه خانوادگی در سیگنال به اشتراک گذاشته است. اتهامی که سخنگوی ارشد پنتاگون آن را رد کرد و ناشی از اظهارات کارمندان سابق نارا ضی دانست. یکی از تحلیل‌ها این است که شاید فشارهای ناشی از تمام این تحولات، به کنار گذاشتن هگست منجر شود.

هرچ و مرج در پنتاگون

در فوریه گذشته (اسفند) پنتاگون اعلام کرد که ۵۴۰۰ کارمند موقت را در پیروی از سیاست‌های انقباضی ترامپ اخراج خواهد کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که هدف‌گذاری تیم ترامپ، کاهش ۵۰ هزار نفر از کارکنان غیرنظامی پنتاگون است. به غیر از اخراج کارمندان، در سه‌ماه گذشته حداقل چهار نظامی بلندپایه آمریکایی از جمله «چارلز براون» رئیس ستاد مشترک، «لیزا فرانکتی» رئیس عملیات نیروی دریایی، ژنرال «تیم هاگ» رئیس ژانسن امنیت ملی و فرمانده سایبری آمریکا در یاسالار «شوشانا چترفیلد» نماینده نظامی آمریکا در کمیته نظامی ناتو برکنار شدند اما این تنها دلیل هرچ و مرج در پنتاگون نیست. این‌ها اقداماتی است که دولت ترامپ انجام داد. به دنبال تحقیقات بخش امور داخلی پنتاگون که پس از نشت اطلاعات نظامی آمریکا رخ داد، چند نفر از منصوبان و نزدیکان هگست از پنتاگون اخراج شدند. پولیتیکو در این باره به نقل از یک مقام دولتی نوشت که تحقیقات راجع به این نشت اطلاعاتی در خصوص داده‌هایی با موضوعات طرح‌های عملیاتی نظامی درباره کانال پاناما، حرکت گروه دوم ناوها به سمت دریای سرخ، حضور جنرال برانگیز ایلان ماسک در پنتاگون و توقف عملیات جمع‌آوری اطلاعات در لوکرین بوده است.